

آموزش زنان در صدر اسلام - قسمت اول

<?xml encoding="UTF-8?">

مقدمه

ظهور اسلام علاوه بر آنکه تحولی عظیم در جایگاه اجتماعی و حقوقی زنان پدید آورد، همچنین باعث ایجاد نقطه عطفی تاریخی در جایگاه فرهنگی آنان شد که یکی از مظاهر آن تحول در مسایل آموزش زنان بود. بررسی سیر این تحول به ویژه در نقاط آغازین آن به خوبی می تواند نقش دین اسلام و آورنده آن و نیز آموزه های دینی را در پدید آمدن این نقطه عطف تبیین نماید. تنها مقایسه کوتاهی میان تعداد انگشت شمار زنان فرهنگی عصر جاهلیت با حجم عظیم آنها پس از ظهور اسلام به بهترین وجه عظمت این تحول را نشان می دهد. که در این راستا می توانیم به عنوان نمونه از کتب شرح حال اصحاب پیامبر اکرم (ص) و نیز کتب راوی شناسی بهترین بهره را ببریم. زیرا این گونه کتب معمولاً بخشی را به زنان اختصاص داده و به شرح حال و احیاناً ذکر روایات آنها که از پیامبر (ص) نقل کرده اند، می پردازند. به عنوان مثال هشتمین و آخرین جلد کتاب عظیم محمد بن سعد (230ق) یعنی الطبقات الکبری به زنان اختصاص یافته و در آن شرح حال 498 زن که در زمان پیامبر اکرم (ص) می زیسته و به عنوان اصحاب آن حضرت (ص) مطرح بوده اند، آورده شده است. پس از آن در کتاب معرفة الصحابه نوشته ابونعیم اصفهانی (339 - 430ق) نام 493 زن صحابی آمده است. این تعداد در کتاب «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» ابن عبدالبر قرطبی (368 - 463ق) 402 نفر می باشد، اما کمتر از دو قرن بعد، ابن اثیر جزری (555 - 630 ق) در کتاب «اسد الغابه فی معرفة الصحابه» می تواند به نام 1022 نفر از زنان صحابی دسترسی پیدا کند. پس از آن در کتاب «الاصابه فی تمییز الصحابه ابن حجر عسقلانی» (774 - 852ق) به نام 1550 زن برخورد می کنیم که گرچه نویسنده صحابی بودن بسیاری از آنان را مردود می شمرد، اما تنها ذکر نام آنان دلالت بر ورود آنها در مسایل فرهنگی در زمان نزدیک به عصر پیامبر اکرم (ص) می باشد. در دوره معاصر تنی چند از نویسندگان به جمع آوری شرح حال زنان صحابی با استفاده از منابع کهن برآمده اند که از آن جمله می توانیم به کتاب «حياة الصحابیات» نوشته خالد عبدالرحمن العک اشاره نماییم که در دو جلد سامان داده شده است. همچنین می توانیم از کتاب «موسوعة حياة الصحابیات» نوشته محمدسعید مبیض یاد نماییم که در آن نام 1524 زن صحابی آمده است. و نیز عبدالصبور شاهین دو جلد کتاب تحت عنوان «صحابیات حول الرسول» پدید آورده است. (1) این بررسی مقایسه ای را می توانیم در ابعاد دیگر فرهنگی همچون شعر و ادبیات در کتب عبدالامیر مهنا همچون معجم النساء الشاعرات فی الجاهلیة و الاسلام (شامل شرح حال 504 زن شاعر)، اخبار النساء فی کتاب الاغانی (شامل شرح حال 180 زن) و اخبار النساء فی عقد الفرید (شامل شرح حال 250 زن) پی گیری نماییم. (2) همچنین کتبی همچون «المرأة العربیة فی جاهلیتها و اسلامها» نوشته عبدالله عفیفی و کتاب «الاسلام و المرأة» نوشته سعید افغانی در این راستا مفید است. اما آنچه در این مقاله مورد نظر ماست، به دست آوردن نکاتی در مورد مسایل آموزش زنان در عصر پیامبر اکرم (ص) و بعد از آن، تا پایان دوره صحابه می باشد که مواردی همچون مواد آموزشی، مکان آموزش و زنان استاد را مورد توجه قرار می دهد.

1- آموزش زنان در جاهلیت

در دوره جاهلیت عمده مواد آموزشی زنان، مواد عملی همچون خانه داری، مواظبت از شتر، برافراشتن و نگه داری چادر بود که معمولاً معلمان آنها مادرانشان بودند و از آنجا که دختران را در سنین پایین شوهر می دادند، در دوره کوتاه مدت زندگانی آنها در خانه پدران، سعی می کردند تمام امور مربوط به چرخاندن یک زندگی را که در آن زمان بر عهده زنان بود، به آنان بیاموزند. (3) در این دوره به نامهای اندکی از زنان برخورد می کنیم که مرزهای آموزشهای عملی رایج را درنور دیده و مواد آموزشی دیگری همچون شعر و کتابت را نیز فرا گرفته اند و بلکه در مواردی گوی سبقت را از مردان ربوده اند. از این گونه زنان می توانیم از «امّ جندب» همسر امرؤالقیس یاد نماییم که به مقامی رسیده بود که او را به عنوان داور در اشعار می پذیرفتند و در موردی بین همسرش و شخصی به نام علقمه داوری کرده و حکم به سود علقمه و به زیان شوهرش داد. (4) همچنین می توانیم از زنی به نام خنساء دختر عمرو بن حارث شریذ یاد نماییم که در بازار اقتصادی، فرهنگی عکاظ هشت اشکال به یکی از شعرهای حسان بن ثابت وارد کرد که مورد پذیرش واقع شد. (5) دختر او عمرة در زمان پیامبر اکرم (ص) در مرثیه سرایی مشهور شده بود و چنین گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) به اشعار او گوش فرا می داد. (6) همچنین در باره اعشی یکی از بزرگترین شاعران جاهلیت چنین گفته شده که او به دخترش درس می داد و این دختر به مرور چنان صاحب ذوق گردید که پدرش به نظرات او در مورد اشعار تازه سروده اش ارج می نهاد. (7) در ماده آموزشی دیگر یعنی کتابت، معمولاً به گفته بلاذری اکتفا می شود که در هنگام معرفی کاتبان دوره جاهلیت و اوایل اسلام از تعدادی از کاتبان زن نام می برد که بعضی از آنها قبل از ورود اسلام به مدینه نیز از این علم بهره داشته اند که از آن جمله می توان از شفاء دختر عبدالله عدویه، ام کلثوم دختر عقبه و عائشة دختر سعد یاد کرد. که در باره عائشه گفته شده است که کتابت را از پدرش آموخت. (8) اگر بتوانیم کهنات را به عنوان یک ماده آموزشی دوره جاهلیت به شمار آوریم، به نام بعضی از زنان برخورد می کنیم که در آن سرآمد دیگران شده بودند به گونه ای که از فرسنگها فاصله برای نظرخواهی به نزد آنان می رفتند. از آن جمله می توانیم از زنی به نام قطبه یا سجاح یاد کنیم که در خیبر می زیسته است و چنانچه گفته شده است، عبدالمطلب در ماجرای ذبح فرزندش عبدالله همراه با تنی چند از قریشیان به نزد او رفته اند و همو بود که اشاره به ذبح شتران به جای ذبح عبدالله نمود. (9) و هر چند در اصل این داستان، بتوانیم تشکیک کنیم اما اجمالاً می توانیم وجود بعضی از زنان کاهن را از آن و داستانهای مشابه اثبات نماییم.

2- آموزش زنان در زمان پیامبر اکرم (ص)

الف - دوره مکه

با بررسی دوره مکه در می یابیم که پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز بعثت، دعوت خود را مخصوص مردان نگردانیده و پیام خود را مستقیم یا غیر مستقیم به گوش زنان نیز رسانیده است و شاهد آن حضور نسبتاً چشمگیر زنان در حوادث مختلف این دوره است. از نکات جالب توجه این دوره آنکه اولین زنی که از سوی پیامبر اسلام (ص) دعوت به پذیرش اسلام شد و اسلام را پذیرفت، یک زن یعنی همسر آن حضرت (ص)، خدیجه (س) بود. و همو بود که اولین بار مواد آموزشی دین اسلام از سوی پیامبر اکرم (ص) به او تعلیم داده شد. در این باره چنین گفته

شده است که پیامبر اکرم (ص) خود وضو و نماز را از جبرئیل (ع) فرا گرفت و چون جبرئیل رفت، پیامبر اکرم (ص) به نزد خدیجه آمده و وضو و نماز را به او تعلیم داده و هر دو به نماز ایستادند. (10) پس از خدیجه، فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی (ع) دومین زن مسلمان بود. (11) شهادت اولین زن مسلمان در همان اوایل بعثت یعنی سمیه مادر عمار یاسر، (12) بهترین دلیل بر رسوخ تعالیم اسلامی در میان زنان می باشد. همچنین حضور آگاهانه تعدادی از زنان مسلمان همراه شوهران خود در هجرت به حبشه، (13) نشانگر آشنایی آنان با تعالیم و معارف اسلامی می باشد که مستقیماً توسط پیامبر اکرم (ص) و یا غیر مستقیم توسط شوهرانشان به آنان آموزش داده شده بود. در داستان اسلام عمر به نکته تازه ای در آموزش زنان برخورد می کنیم و آن فراگیری معارف اسلام توسط یک زوج از یکی از اصحاب با سابقه است. در این داستان مشاهده می نماییم که فاطمه خواهر عمر به همراه همسرش سعید بن زید در خانه خود پذیرای خَبَّاب بن ارت می شده و او به آنها تعلیم قرآن می داده است. (14) در همین داستان به این نکته برخورد می کنیم که وقتی عمر به قصد کشتن پیامبر اکرم (ص) به سوی او رفت، آن حضرت (ص) در میان چهل تن از یاران خود که شامل زن و مرد می شد، در خانه ای در نزدیکی صفا به آموزش قرآن و معارف اسلامی مشغول بود. (15)

ب - دوره مدینه

با استقرار دولت پیامبر اکرم (ص) در مدینه و پی ریزی شالوده های اولین حکومت اسلامی و بنیانگذاری مسجد برای عبادت و تعلیم معارف اسلامی، آموزش زنان نیز دچار تحولی شگرف شد. مواد آموزشی زنان را می توان در این دوره به دو بخش اسلامی و غیر اسلامی تقسیم نمود.

1- مواد آموزشی اسلامی

منظور از این مواد علمی مانند قرآن، مسایل اخلاقی و مسایل حلال و حرام است که متکفل اصلی آن اسلام و شخص پیامبر اکرم (ص) بود و بر فرض عدم اسلام، خبری از آنها نمی بود. گرچه طبیعتاً علاوه بر آموزش مستقیم این علوم توسط پیامبر اکرم (ص) به زنان، باید آموزشهای غیر مستقیم که عمدتاً توسط همسران یا فرزندان آنان صورت می گرفت، وجود داشته باشد، چنانچه پیامبر اکرم (ص) خود به این نوع تعلیم تشویق می نمود. (16) اما در میان نصوص بیشتر به بخش اول برخورد می کنیم. از این رو ما در اینجا استاد را شخص پیامبر اکرم (ص) فرض نموده و به بررسی نصوصی در این باره، می پردازیم. این بخش خود از نظر کیفیت آموزشی به دو قسمت عمومی و خصوصی تقسیم می شود. در بخش عمومی عمدتاً مکان آموزش مسجد و به ویژه مسجد النبی (ص) بوده که پیامبر اکرم (ص) در آن به بیان معارف اسلامی می پرداخته است. و گاهی نیز از خانه یا مکانهای دیگر به عنوان مکان آموزشی استفاده می شده است. در این دوره به نصی تاریخی برخورد می کنیم از این قرار که زنان مدینه به نزد پیامبر اکرم (ص) رفته و می گویند: ای پیامبر خدا (ص) مردان بر ما فزونی یافته اند، پس روزی را مخصوص ما قرار ده (که در آن به تعلم مسایل اسلامی بپردازیم). و پیامبر اکرم (ص) روزی را مخصوص آنان قرار داد که در آن به وعظ و تعلیم و تذکر آنها می پرداخت. (17) همچنین از زنی به نام ام هشام دختر حارثه بن نعمان نقل شده است که می گفت: «من سوره «ق و القرآن المجید» را از زبان پیامبر اکرم (ص) فرا گرفتم که هر روز جمعه آن را بر بالای منبر می خواند.» (18) این نص نشان دهنده حضور فعال زنان در مسجد و فراگیری احکام از زبان پیامبر اکرم (ص) است. پیامبر اکرم (ص) نیز در هنگام سخنرانیهای عمومی در مسجد عنایت ویژه ای به رساندن پیام خود به زنان داشت. در یکی از روایات از قول ابن عباس چنین نقل شده است که در روز عید

فطر پیامبر اکرم (ص) پس از پایان سخنرانی خود که در آن به تشریح زکات فطره (صدقه) پرداخته بود، احتمال داد که زنان صحبت‌های او را نشنیده باشند، از این رو به موعظه آنان پرداخت و آنان را فرمان به پرداخت فطره (صدقه) نمود. (19) زنان نیز خود به فراگیری مسایل و معارف اسلامی اهتمام داشتند و در این راستا پرسش‌های فراوانی از پیامبر اکرم (ص) می نمودند و حتی باعث نزول وحی در مواردی می شدند. در گزارشی از عایشه چنین آمده که او زنان انصار را از آن جهت که حیا مانع پرسش‌های دینی و فقهی آنان نمی شد، مدح می نماید. (20) همچنین در باره یکی از زنان به نام اسماء دختر یزید چنین آمده که او خود کیفیت غسل حیض را از پیامبر اکرم (ص) پرسید. (21) همچنین از زنی به نام ام کثیر چنین نقل شده که همراه با خواهرش به نزد پیامبر اکرم (ص) می رود و می گوید: خواهرم می خواهد مسأله ای بپرسد، اما خجالت می کشد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: بپرسد، زیرا طلب علم واجب است. و خواهرش در باره فرزندش که کبوتربازی می کند، می پرسد و پیامبر اکرم (ص) جواب می دهد که این بازی، بازی منافقان است. (22) نکته جالب در این روایت استدلال پیامبر اکرم (ص) به جمله «طلب العلم فريضة» است که در این مورد که مخاطب او یک زن است آورده است که همین مطلب تأکیدی بر عدم اختصاص آموزش دانش به صورت مطلق به مردان می باشد. در نقل دیگری چنین آمده که زنان مجلسی تشکیل داده و در آن از نابرابری امتیازات معنوی مردان و زنان همانند جهاد شکایت کردند و فرستاده ای را به نمایندگی خود به نام اسماء دختر یزید به نزد پیامبر اکرم (ص) فرستادند تا از علت این نابرابری پرسش نماید. پیامبر اکرم (ص) در جواب، نیکوهمسرداری کردن زن را همانند جهاد به حساب آورد. (23) از مواردی که پرسش زنان منجر به نزول آیاتی شد، می توان داستان شأن نزول سوره مجادله را ذکر کرد که در آن چنین آمده که مردی به نام اوس بن صامت همسرش خوله دختر ثعلبه را ظهار کرد. (24) و از آنجا که حکم ظهار در جاهلیت حرمت دائمی زن بر مرد بوده زن به نزد پیامبر اکرم (ص) رفته و حکم آن را در اسلام پرسید و وقتی پیامبر اکرم (ص) همان حکم جاهلی را برای او بیان کرد، زن با پیامبر اکرم (ص) چندین بار مجادله کرد تا بالاخره، حکمی جدید از سوی خداوند نازل شد. (25) در این دوره به مواردی نیز برخورد می کنیم که پیامبر اکرم (ص) در مکانی غیر از مسجد به تعلیم زنان می پرداخت، چنانکه در خانه به تعدادی از زنان روش غسل میت دادن فرزندش زینب را تعلیم داد. (26) بخش آموزش خصوصی پیامبر اکرم (ص) را می توان به سه قسمت آموزش به دخترش حضرت فاطمه زهرا (س)، آموزش به همسرانش و آموزش به زنان دیگر تقسیم نمود. از بعضی از روایات شیعه و اهل سنت چنین برمی آید که حضرت فاطمه زهرا (س) دارای کتابی به نام «کتاب فاطمة (علیهاالسلام)» یا «مُصحف فاطمة (علیهاالسلام)» یا «صحيفة الزهرا (علیهاالسلام)» بوده که طبق یک قول در آن مطالبی که پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خود املاء می کرده و حضرت زهرا (س) می نوشته، جمع آوری شده بود. (27) از بعضی از روایات شیعه چنین برمی آید که این کتاب دارای حجمی عظیم معادل سه برابر حجم قرآن بوده (28) و در آن مطالب و معارفی فراتر از معمول وجود داشته است. به گونه ای که امام صادق (ع) در برخی از پیشگویی های خود به مطالب آن کتاب استناد می نماید. (29) بهترین شاهد بر آموزش خصوصی پیامبر اکرم (ص) به همسرانش، روایات فقهی و غیر فقهی فراوانی است که تنها راویان آن تنی چند از همسران پیامبر اکرم (ص) همچون عائشه، ام سلمه و حفصه می باشند که این روایات در بسیاری از کتب معتبر اهل سنت پراکنده شده است. حتی بعضی را نظر بر این است که علت آنکه پیامبر اکرم (ص) می توانسته بیش از چهار همسر داشته باشد آن است که خداوند به این وسیله خواسته است تا هم ظواهر شریعت و هم بواطن آن به مردم منتقل شود و از آنجا که پیامبر اکرم (ص) دارای بیشترین حیاء بوده است، و خود مستقیماً نمی توانسته بسیاری از

احکام فقهی را برای مردم بیان کند، از این رو خداوند این ویژگی را برای او قرار داده تا بسیاری از بواطن شریعت که منظور همان احکام معاشرتهای خصوصی و نیز مسایلی همچون غسل، حیض، عده و همچنین نشانه های روشن نبوت او و کوشش آن حضرت (ص) در عبادت بود، به وسیله همسرانش برای مردم بیان شود و بدین وسیله بیان شریعت تکمیل گردد. (30) البته ما این قول را به عللی همچون کفایت چهار همسر در نقل مطالب مورد نظر، (چنانچه واقعیت آن است که بیشتر روایات این چنین پیامبر اکرم (ص) توسط دو یا سه همسر آن حضرت (ص) بیان شده است.) و نیز عدم ظرفیت همسران پیامبر اکرم (ص) برای تحمل و نقل بسیاری از جوانب باطنی شریعت و امکان انتقال آن معارف به یاران والامقام آن حضرت (ص) همچون حضرت علی (ع)، نمی پذیریم و معتقدیم که ویژگی تجویز بیش از چهار همسر برای آن حضرت (ص) دلایل دیگری داشته است، اما به هر حال بر این نکته معترفیم که پیامبر اکرم (ص) بسیاری از مسایل روابط خصوصی و نیز مسایل زنانه را به همسران خود تعلیم داده است تا آنها، آن مسایل را برای دیگران بیان نمایند. و اما بخش سوم آموزشهای خصوصی آن حضرت (ص) به زنان یعنی آموزش به زنان بیگانه را می توان در شرح حال بسیاری از زنان صحابی یافت. به عنوان مثال در باره زنی به نام رُبَیع دختر معوذ چنین آمده که پیامبر اکرم (ص) فراوان به خانه او می رفت و او از آن حضرت (ص) احکام دین را فرا می گرفت و به جایی رسیده بود که بعدها اصحابی همچون ابن عباس از او برخی سؤالات فقهی می پرسیدند. (31) و نیز از زنی به نام امّ سلیم برخی از معارفی که پیامبر اکرم (ص) در آموزش خصوصی به او تعلیم داده نقل شده است. (32) و جالب آن است که راوی شناسان اهل سنت با روایات این گونه زنان و نیز زنان راوی در طبقات بعدی به صورت خوشبینانه عمل کرده اند و روایات آنها را معمولاً پذیرفته اند تا جایی که ذهبی یکی از بزرگترین راوی شناسان چنین گزارش می دهد: «و ما علمت فی النساء من اتهمت و لا من ترکوها» (33) یعنی «میان زنان موردی را سراغ ندارم که متهم (به دروغگویی شده باشد) و نیز موردی را سراغ ندارم که حدیث شناسان از روایت آنها روی گردان شده باشند.» و از بعضی چنین نقل شده که در هنگام تعارض روایات زنان با روایات مردان، روایات زنان پذیرفته می شود. (34) البته این سخن بر اساس ملاکهای عالمان شیعی پذیرفته نیست و برخی راویان زن نیز، روایتشان از درجه اعتبار ساقط است.

2- مواد آموزشی غیر اسلامی

منظور از این مواد، ماده های آموزشی همچون کتابت، شعر، طب و دیگر علوم می باشد که گرچه ممکن است مطالبی مرتبط با آنها از زبان پیامبر اکرم (ص) نقل شده باشد، اما متکفل اصلی آنها آن حضرت (ص) نمی باشد و به عبارت دیگر هدف از بعثت آن حضرت (ص) تعلیم این گونه علوم نبوده است زیرا این علوم، علومی است که بشر بدون نیاز به وحی نیز امکان دسترسی به آنها را دارد. از مهمترین مواد آموزشی این چنینی می توان «کتابت» را نام برد. از بعضی از گزارشها چنین برمی آید که در هنگام حضور پیامبر اکرم (ص) در مدینه، تنی چند از زنان همانند کریمه دختر مقداد دارای قدرت نوشتن بوده اند. (35) همچنین در باره تنی چند از زنان پیامبر اکرم (ص) همچون عائشه و ام سلمه چنین آمده که آنها دارای قدرت خواندن بوده اند، اما نمی نوشته اند. (36) از نکات جالب در این باره آن است که یکی از زنان کاتب در جاهلیت به نام شفاء دختر عبدالله عدویه به حفصه همسر پیامبر اکرم (ص) کتابت را آموزش می داده است و حضرت (ص) از او می خواهد تا بعضی از مطالب دیگر را نیز به او یاد دهد. (37) از دیگر مواد آموزشی این دوره شعر است که به نام زنانی شاعر که حتی بعضی از آنها در مورد توجه پیامبر اکرم (ص) بوده اند، برخورد می نماییم. از جمله این زنان عمرة دختر خنساء است که چنانچه گفتیم، متبحر در مرثیه سرایی بوده و پیامبر اکرم (ص) به مرثیه های او گوش فرا می داده است. (38) صفیه عمه پیامبر

اکرم (ص) و نیز ام ذر همسر ابوذر دو تن از شاعرانی هستند که در این دوره مطرح می باشند. (39) از دیگر مواد آموزشی زنان در این دوره، علم طب می باشد که گرچه شاهد زنانی ماهر در بخشی از آن همچون مداوای مجروحان می باشیم اما در بیشتر موارد از چگونگی فراگیری و آشنایی آنان از این علم بی خبریم. در هنگام گزارش بعضی از جنگهای پیامبر اکرم (ص) به نام زنانی برخورد می کنیم که همراه سپاه بوده و در خیمه های ویژه ای به مداوای مجروحان می پرداخته اند. ابن عباس در باره این گونه زنان می گوید: پیامبر اکرم (ص) آنها را همراه خود در جنگ می برد و آنها به مداوای مجروحان می پرداختند و از غنیمت جنگی، سهم می بردند. (40) یکی از زنان می گوید: «ما شش زن بودیم که در جنگ خیبر همراه پیامبر اکرم (ص) بودیم و به مجروحان دارو می دادیم و به آنها شربت (سویق) می نوشاندیم. و وقتی که دژ خیبر گشوده شد، پیامبر اکرم (ص) به ما سهمی از غنایم معادل سهم مردان داد.» (41) کُعبیه دختر سعد اسلمیه یکی از این زنان است که در خیبر شرکت داشته است و در باره او چنین نقل شده که پیامبر اکرم (ص) مکانی را در مسجد مدینه برای او در نظر گرفت که در آنجا به مداوای مجروحان و طبابت بیماران اشتغال داشت. (42) رُفیده نام زنی از قبیله اسلم است که پیامبر اکرم (ص) نیز خیمه ای برای او در مسجد خود برپا کرده بود که در آنجا به مداوای بیماران می پرداخت که از جمله بیماران او می توان از سعد بن معاذ یاد کرد. (43) از زنان دیگری همچون ربیع دختر محوذ، لیلی غفاری، معاده غفاری، ام ایمن، ام سنان اسلمی، ام کبشه قضاعی، ام روقه انصاری، ام سلمه نیز به عنوان مداواکنندگان مجروحان جنگی یاد شده است. (44) از نکات جالب در این باره گزارشی از عائشه است که در آن کیفیت دانش طبّی او نقل شده است. هنگامی که خواهرزاده او عروّه بن زبیر از دانش طبّی خاله اش در شگفت می ماند، سؤال از منشأ آن می نماید و عائشه در جواب می گوید: «پیامبر اکرم (ص) در پایان عمر خود بیمار می شد و گروه های مختلف عرب نزد او آمده و داروهایی را برای درمان معرفی می کردند و من با آن داروها پیامبر (ص) را معالجه می کردم و از اینجا این دانش را به دست آوردم.» (45) ادامه دارد.

پی نوشت ها :

- 1 - این کتب توسط نگارنده دیده شده است.
- 2 - مهدی مهریزی، «کتاب شناسی توصیفی کتاب تراجم زنان»، مجله آیین پژوهش، شماره 57، ص. 84.
- 3 - محمد داغ و حفظ الرحمن رشید اویمین، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، 1374، ص 6 و 271.
- 4 - عبدالله عفیفی، المرأة العربیة فی جاهلیتها و اسلامها، بیروت، دارالرائد العربی، ص. 173.
- 5 - همان. برای اطلاع بیشتر از شرح حال او مراجعه شود به: ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، تصحیح یوسف علی طویل، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ج 15، ص 72 - 108.
- 6 - یاسین بن عمرالله خیری، الروضة الفیحاء فی تواریخ النساء، تحقیق رجاء محمود السامرای، چاپ اول، بیروت، الدار العربیة للموسوعات، ص. 54.
- 7 - محمد داغ و...، همان، ص. 274.
- 8 - ابوالحسن بلاذری، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1398، ص. 458.
- 9 - ابن هشام، السیره النبویه، تصحیح مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1413، ج 1،

- 10 - محمود طعمه حلبی، نساء حول الرسول، حلب، دار الحياة، ص. 30
- 11 - علی محمد علی دخیل، اعلام النساء (2)، فاطمة بنت اسد (رض)، بیروت، مؤسسة اهل البيت (ع)، ص. 29
- 12 - ابن هشام، همان، ج 1، ص. 320
- 13 - برای اطلاع از نامهای این زنان مراجعه شود به: ابن هشام، همان، ج 1، ص 322 - 330
- 14 - همان، ص. 343
- 15 - همان.
- 16 - عبدالحی کتانی، نظام الحكومة النبوية المسمى بالتراتب الاداريه، بیروت، دار الكتاب العربي، ج 2، ص 235 که در آن حدیثی به نقل از بخاری نقل می کند که در آن پیامبر اکرم (ص) می فرماید: مردی که کنیزش را نیکو ادب کند و نیکو آموزش دهد، دارای دو پاداش است.
- 17 - خالد عبدالرحمن العک، صورة من حياة صحابيائ الرسول (ص)، چاپ اول، بیروت، دار الالباب، 1409، ص 23. که از مسند احمد، ج 3، ص 34 و صحیح بخاری کتاب العلم نقل می کند.
- 18 - خالد عبدالرحمن العک، حياة الصحابيائ، دمشق، دار الحکمة للطباعة و النشر، 1410، ج 1، ص 246، که از مسند احمد، ج 5، ص 113 و صحیح مسلم، کتاب الجمعة، نقل می کند.
- 19 - ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، عناية النساء بالحديث النبوی، چاپ اول، دار ابن عفان و دار ابن حزم، 1414 ق، ص. 12
- 20 - احمد خلیل جمعه، نساء مبشرات بالجنة، چاپ اول، بیروت، دار ابن کثیر، 1411 ق، ج 2، ص 216. عبارت عربی چنین است: «نعم النساء نساء الانصار لم يكن يمنعهنّ الحياء ان يسألن عن الدين و يتفقهن فيه.»
- 21 - همان.
- 22 - عبدالصبور شاهین، صحابیات حول الرسول، قاهره، دار الاعتصام، ج 1، ص. 303
- 23 - همان، ص. 207
- 24 - ظاهر آن بود که مرد به همسرش می گفت: «ظهرک کظهر امّی» یعنی پشت تو بر من مانند پشت مادرم می باشد. که در این هنگام مباشرت مرد با زن حرام می شد، بدون آنکه زن از خانه مرد بیرون رود.
- 25 - خالد عبدالرحمن العک، صورة من حياة صحابيائ الرسول (ص)، ص 630 که از الطبقات الکبری، ابن سعد، ج 8، ص 380 نقل می کند.
- 26 - محمود طعمه حلبی، همان، ص. 161
- 27 - اسعد عبود، صحيفة الزهرا (عليها السلام)، بیروت، الارشاد للطباعة و النشر، 1999 م، ص 159 و 160، سید محمد رضا حسینی جلالی، تدوین السنة الشریفه، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1371، ص 76 و 77.
- 28 - محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ج 1، ص 346، حدیث 1.
- 29 - همان، ص 350، حدیث 8.
- 30 - عبدالحی کتانی، همان، ج 2، ص 236 که از پدر تاج سبکی این قول را نقل می کند.
- 31 - احمد خلیل جمعه، همان، ج 1، ص. 193

- 32 - خالد عبدالرحمن العك، حياة الصحابييات، ج1، ص.247
- 33 - ذهبي، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق على محمد بجاوي، بيروت، دار المعرفة، ج4، ص.604
- 34 - عبدالحى كتانى، همان، ج2، ص235، او اين قول را از ابواسحاق اسفرايينى نقل مى كند.
- 35 - بلاذرى، همان، ص.458
- 36 - همان.
- 37 - همان.
- 38 - ياسين بن خيرالله عمرى، الروضة الفيحاء في تواريخ النساء، ص.54
- 39 - عبدالصبور شاهين، صحابييات حول الرسول، ج1، ص98 و 156.
- 40 - خالد عبدالرحمن العك، حياة الصحابييات، ج1، ص.360
- 41 - همان.
- 42 - خالد عبدالرحمن العك، صورة من حياة صحابييات الرسول (ص)، ص584. كه از الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج8، ص291 نقل مى كند.
- 43 - ابن هشام، السيرة النبويه، ج4، ص.250
- 44 - عبدالحى كتانى، همان، ج2، ص114 - 116.
- 45 - احمد خليل جمعه، نساء مبشرات بالجنه، ج2، ص.45.